



ارمنستان در نگاه جهانگردان

شرق و غرب

تألیف : یحیی عسگری نمین

سرشناسه	:	عسگری نمین، یحیی، ۱۳۲۹ -
عنوان و نام پدیدآور	:	ارمنستان در نگاه جهانگردان شرق و غرب/ تالیف یحیی عسگری نمین.
مشخصات نشر	:	اردبیل: کوه سنگر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۳۳۲ص: مصور.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۹۴۹۹۵-۴-۰
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۳۲۹.
موضوع	:	ارمنستان -- تاریخ
رده بندی کنگره	:	الف ۴۵/ ۱۷۵ DS ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	:	۹۵۶/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۱۰۵۳۴۶

نام کتاب: ارمنستان در نگاه جهانگردان شرق و غرب

مؤلف: یحیی عسگری نمین

طراح جلد: بهمن شاهنده حور

ناشر: انتشارات کوه سنگر

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول

چاپ و صحافی: نگین سبلان

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۹۹۵-۴-۰

مرکز پخش:

اردبیل: انتشارات کوه سنگر (شاهنده) - تلفن: ۰۴۵۳۳۶۲۱۸۲۴ - ۰۹۳۸۹۱۷۶۰۳۱

«کلیه حقوق انتشار و پخش برای انتشارات کوه سنگر و مولفین محفوظ می باشد»

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۲	مقدمه
۲۱	جغرافیای ارمنستان
۲۳	روابط ایرانیان و ارمنیان
۲۹	سرزمین
۳۲	تأثیر موقع و شکل طبیعی ارمنستان در تاریخ آن
۳۴	ارمنستان اولیه یا اورارتو
۳۷	آمدن ارمنیهای هند و اروپایی
۴۱	زبان ارمنی
۴۴	ارمنستان
۴۵	خاندان شدادی در قفقاز شرقی
۴۷	آذربایجان
۴۹	مسالك الممالك استخری
۵۰	ابودلف، جهانگرد و شاعر

۵۳	شرح زندگانی ابن حوقل
۵۳	دبیل و نشوی (نخجوان)
۵۵	حمداله مستوفی قزوینی
۵۶	در ذکر مواضع ولایت ارمن
۵۷	قفقاز در سوانامه های مستشرقین اروپایی
۵۷	بازگشت ر ایران / خفای هاوس هولدا
۵۸	زمستان
۶۲	ارمنستان و تفلیس در سفرنامه های اروپایی
۶۳	زندگی کلاویخو
۶۴	سفرنامه کلاویخو
۷۰	شرح کوتاه زندگی آمبرسیو کنتارینی
۷۶	زندگی نامه شاردن
۷۷	تعریف و توصیف ارمنستان
۸۱	ژان باتیست تاورنیه

- تعریف و توصیف ایروان ۹۵
- توصیف و تعریف «دریا شیرین» ۹۹
- قدیمی ترین نقطه مسکونی جهانی ۱۰۰
- اوج کلیسا (اوجمازین) ۱۰۱
- شهر اردشیر و تخت تیرداد ۱۰۶
- معتقدات مذهبی ارمنه ۱۰۷
- تعریف و توصیف کره نوح (آرارات) ۱۱۴
- در کاروانسرای ایروان ۱۱۸
- زندگی نامه جملی کارری ۱۲۲
- مشاهدات جالب مؤلف در ایران به سال ۱۶۹۴ ۱۲۳
- ورود به خاک ایران و ادامه سفر تا ایروان ۱۲۳
- ماری بوتی (لابرولاندیر) ۱۳۰
- کاروانسرای محقر «کیورلا» ۱۳۳
- بندر آرامش ۱۳۴

- ۱۳۴.....ایروان شهری با دور دو هزار پا
- ۱۳۸.....موریس دو کوتز بوئه
- ۱۳۸.....مسافرت به ایران
- ۱۴۳.....کلیسای ایچ میازین
- ۱۵۳.....سفرنامه اودیل
- ۱۵۴.....ارمنستان علیا
- ۱۶۵.....سفرنامه دیولافوا
- ۱۶۷.....۲۹مارس - ۱۸۸۱
- ۱۷۶.....جرج ناتانیل کرزن
- ۱۷۷.....راهها و وسایل - اهدا به مسافران و جهانگردان
- ۱۸۱.....منطقه ماوراء بحر خزر
- ۱۸۲.....زندگی نامه آگوست بن تان
- ۱۸۴.....ایروان
- ۱۸۷.....دهات ایران

۲۰۴	سفرنامه جیمز موریه
۲۰۸	شرح کوتاه از ژوبر
۲۰۹	آمده ژوبر در ایران و ارمنستان
۲۱۷	کنت دوسرسی
۲۱۷	قره کلیسا
۲۱۸	گیله سور
۲۱۸	اوج کلیسا
۲۲۰	دیدارین
۲۲۱	بایزید
۲۲۴	شرح حال حاج سیاح
۲۲۵	سفرنامه حاج سیاح
۲۲۵	به سوی ایروان
۲۲۷	نخجوان
۲۲۹	ایروان

- آجمیازین ۲۳۰
- ناصر الدین شاه ۲۳۲
- دکتر فوریه ۲۴۳
- ۱۰ سپتامبر مصادف با ۱۴ محرم ۲۴۴
- گذر دکتر بلز از ایروان ۲۵۳
- الکسیس سولتیکف ۲۷۱
- دیدگاه الکسیس سولتیکف در گذر کوتاه از گرجستان و ارمنستان ۲۷۲
- گذر اوژن فلاندن از ایران ۲۸۹
- گذر اوژن فلاندن از ارمنستان ۲۹۰
- زندگی نامه جکسن ۳۰۱
- زندگی کلود انه ۳۱۱
- آلفونس گابریل : ۳۱۴
- آغاز راه ایران ۳۱۵
- فهرست منابع ۳۲۸

پیشگفتار

جهانگردان و سیاحان بی شماری از دیر باز به ایران و سرزمین قفقاز آمده اند که هر کدام دارای ویژگی های خاصی هستند و همین ویژگی است که چه بصورت مستقل و چه در حال گذر نوشته شده است این نوشته ها را ممتاز می سازد و به ارزش و اعتبار این سفرنامه ها می افزاید که برخی از نویسندگان آنها نه فرستاده سیاسی هستند و نه مامور موظف نظامی و یا مستشار حکومتی، بلکه پژوهشگری هستند کنجکاو که صرفاً برای سیر آفاق و انفس و فقط به انگیزه تحقیق و تفحص قدم در این راه گذاشته اند و هر چه را که چشم باز و باریک بینشان دیده، همه را بی کم و کاست در سفرنامه هایمان آورده اند.

آگاهی هایی که سفرنامه نویسان درباره مردم، آداب، آثار تاریخی و اوضاع روز مناطق مختلف گرجستان، ارمنستان، آذربایجان می دهند همه آموزنده و خواندنی است. بیشتر مطالب انتخابی از سفرنامه ها برای ارمنستان استفاده شده و سایر جهانگردان خاطرات سفر خود را از قفقاز، در مجموع ایروان و کلیسای اچمیازین نوشته اند و اکثراً آنها از ایروان و کلیسای اچمیازین دیدن نموده. از قدیمی ترین سفرنامه ها شروع کرده و به ریب تاریخی تا آنجایی که اطلاعات ما اجازه داده، آنها را نوشته ایم و برای اینکه ناگهان بدون مقدمه به ایروان و ارمنستان وارد نشویم، مطلبی از جاهای دیگر مانند ولادی قفقاز و گرجستان و دیگر نقاط سخن گفته است و برای اینکه خواننده کتاب خللی در مسیر حرکت جهانگرد احساس ننماید مطالبی از مسیر حرکت از شهرها و مناطق دیگر آورده شده که بیشتر سیاحان در شهرهای ارمنستان اقامت داشته و یا مطالب جامعی در مورد ایروان نوشته اند که هر نوع نوشته در مورد ارمنستان در آن سفرنامه آمده در این کتاب به

آن اشاره شده است، قابل ذکر است که برای تألیف این کتاب از سفرنامه های که به وسیله مترجمان ایرانی به فارسی ترجمه شده است فیش برداری گردیده است.

سفرنامه نویسان دوره قدیم که ایرانی یا عرب بوده اند از سمت جنوب، به سمت شمال سفر کرده و از ویژگی های جغرافیایی و تاریخی شهرهایی که سالیان دراز در مقابل تندباد حوادث مقاومت کرده اند و اکنون نیز پایدار هستند نام برده اند. در این کتاب حتی اگر سطری در مورد ارمنستان بوده به میان آمده و در مجموع با دیگر مناطق نوشته شده است.

مستشرقانی که از غرب به شرق مسافرت کرده اند از قفقاز گذشته و به تبریز و اصفهان برای دیدار و ملاقات شاه ایران و دعوت آنها برای همکاری نظامی و سیاسی رسیده اند و چون شرایط مسافرت آنها بود توقف و دیدار از حاکمان شهرها وقت زیادی از آنها می گرفت و تعدادی از آنها در شهرها بزرگ اقامت می کردند و یا مجبوره اقامت طولانی بودند که اجازه مسافرت صادر شود، این امنیت باعث توقف طولانی آنها در شهرهای بزرگ قفقاز می شده است. از شهرهای مسیر مخصوصاً شهرهای ایران، عیسی، نخجوان و باکو مورد توجه و علاقه تمامی آنها بوده است. سفرنامه نویسان اروپایی که بیشتر مطالب این کتاب از نوشته های آنها سود برده شده، قبلاً مطالعه و اطلاعات جامعی از شهرها، قفقاز داشته اند و نوشته های قبلی نویسندگان متأخر را مطالعه کرده بودند و بعد از دیدار موضوع، با سودا میان آمده است و ما در این کتاب آنها را آورده ایم. سفرنامه هایی هم در دوره قاجار در ایران نوشته شده است. این سفرنامه نویسان مانند ناصرالدین شاه و همراهانش و مأمورین دولتی بودند که به اروپا مسافرت کرده و در مسیر خود مطالبی از ارمنستان نوشته شده است. در میان این کتابها از چهار جلد کتاب استفاده گردیده که مطالبی جامع داشتند. مسلماً شرایط حکومتی و تاریخی ادوار مختلف در جهت گیری دیدگاه نویسندگان تأثیر گذار بوده است.

شرایط جغرافیائی تقریباً شبیه به هم است و عوامل انسانی هم در طول دورانها متفاوت بوده و جمعیت شهرهای قفقاز در گذشته و حال تغییرات زیادی را پشت سر گذاشته است و مرزهای کشورها که در آنها تغییر فراوانی شاهد هستیم. در حال حاضر کشور ارمنستان مستقل شده و مسائل مرزی و یا سیاسی در این نوشته مورد نظر نبوده و تمامی نظرات و افکار سیاحان مختلف، که با فرهنگ و دیدگاههای خود مطالبی نوشته اند، مربوط به آن سفرنامه و نویسنده است. مولفین درباره وجه تسمیه این کشور نیز به هیچ وجه اتحاد نظر ندارند چنانکه بعضی آن را مشتق از اسم ارمن تالم یا رودسی می دانند ولی عده دیگر به دلایل معتبر می گویند که نام سرزمین مزبور از آرام غری که به معنای مرتفع و بلند است، اشتقاق پیدا کرده است. برای اولین بار تصمیم گرفتم که سه جلد کتاب مورد قفقاز در سفرنامه جهانگردان به تفکیک گرجستان، آذربایجان، ارمنستان تالیف نماید و ده می آنها این کتاب است. اینجانب در مسیر مطالعه سفرنامه های مستشرقین شرق و غرب، بر این معارف بیشتر تاریخ و فرهنگ مشترک به مطالب جامعی در مورد قفقاز (ارمنستان) دست یافته ام. امیدوارم خوانسته باشم دین مطلب را ادا نمایم.

یحیی عسگری نمین

سفرنامه از مهمترین منابع تاریخی مستند است که از دیرزمان به دست مستشرقان و اهل سفر نگاشته شده است. اهمیت این نوع نوشته ها از آن روست که نویسندگان سفرنامه ها، مطالب خود را عینا نقل و درباره آن قضاوت کرده اند. در این کتاب به مطالبی که سفرنامه نویسان شرق و غرب در خصوص موقعیت جغرافیایی و تاریخی شهرها، آبادی ها، رفتارها و هنجارهای اجتماعی، سکه، گویش، فولکلور، نحوه ی پوشش و دستور زبان مردم «ارمنستان» نوشته اند، پرداخته ام.

اشاره هر کث از موارد فوق، بسیار ارزشمند است؛ زیرا حاوی مطالبی مهم و سودمند راجع به سرزمین ارمنستان رزمایشی مختلف تاریخی، می باشد.

پژوهش حاضر درصدد است از استان را در سفرنامه هایی که نویسندگان آنها از نزدیک، روزها و یا ماههای متوالی با شرایط سخت و طاقت فرسا و با گرسنگی و تشنگی را لمس کرده اند، انعکاس دهد. این نوشته با تتبع و رنگ در سفرنامه های بسیار به دست آمده و به بخش های متعدد جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم شده است که هر کدام از سفرنامه ها رنگ و بوی متفاوتی متناسب با دیدگاه نویسندگان آن دارد.

امروزه با توجه به موقعیت حساس سرزمین های شمالی رود ارس، نیاز به مطالعات به ویژه با محوریت تاریخ و فرهنگ سرزمین های قفقاز و پیوند ناگسستنی اش با ایران، بیش از گذشته احساس می شود.

بر این اساس، قفقاز در سفرنامه ها و اسطوره های تاریخی، موضوع پژوهش حاضر را تشکیل می دهد که ارمنستان را هم شامل می شود.

قفقاز پاره جدا شده ای از ایران است که به موجب جنگ های متعدد در طول تاریخ و مخصوصا عهدنامه های گلستان و ترکمن چای و در نتیجه جنگ های ایران و روسیه در دوره قاجار همراه با

سرزمین های دیگر به روسیه واگذار شد. اما این جدایی فقط جنبه سیاسی داشت، زیرا نژاد، تمدن، دین و فرهنگ ایرانی در بین سرزمین های قفقاز ریشه ای عمیق داشت و این موضوع در تمامی سفرنامه ها مشاهده می شود.

بخش های مختلفی در رابطه با جغرافیای قفقاز و دیدگاه تاریخی سفرنامه نویسان که مطالب جغرافیای قدیم در آنها مشهود است، آورده شده و در ارتباط با ایروان مرکز ارمنستان مطالبی که حاصل توقف و رفت و برگشت مستشرقین بوده، استفاده شده است.

کتابهایی که در روزگاران گذشته درباره جغرافیای تاریخی ایران نوشته شده و مطالبی در آنها راجع به جغرافیای قفقاز می توان یافت، خوشبختانه کم نیست؛ سفرنامه های مختلفی مانند مسالک و معالک ابن خردادبه، مسالک و معالک اصطخری و صوره الارض ابن حوقل، احسن التقاسیم مقدسی و سفرنامه ابوداؤد، ایران که همه به زبان عربی نگارش یافته است و کتابهایی که در این رابطه به زبان فارسی نوشته شده مانند حدود العالم الی مشرق الی مغرب، سفرنامه ناصر خسرو، فارس نامه ابن بلخی، البلدان الموصی، نزهة القلوب حمداله مستوفی و فارس نامه ناصری و مرآت البلدان و غیره...

در کتابهای فوق مطالبی در مورد سرزمین ارمنستان وجود دارد و از آنها مطالب گرانسنگی برداشت شده است. از ایرانی هایی که در دوره حکومت قاجار به ارمنستان مسافرت کرده و یا همراه شاهان قاجار در موقع عبور از ایروان اقامتی در آذربایجان داشتند، کتابهای متعددی وجود دارد و برای احتراز از تکرار از چهار سفرنامه استفاده شده است که عبارتند از: سفرنامه حاج سیاح، سفرنامه فرهاد میرزا معتمدالدوله (۱۸۷۵ میلادی ۱۲۹۲ هجری قمری)، خاطرات ناصر الدین شاه (۱۳۰۷ هجری قمری)، در سفر سوم فرنگستان.

در خصوص سفرنامه های مستشرقین اروپایی با توجه به بُعد زمان، از معروف ترین آنها- هرچند نوشته های آنها در مورد ارمنستان کم است- به آن اندازه که در دسترس بود، در این کتاب آمده است که از بازگشت از ایران جفری هاوس و سفرنامه مارکوپولو شروع می شود.

مارکوپولو در سال (۱۲۶۹ م ۶۶۷ هـ) همراه برادرش نیکولو قصد سفر به چین نمودند. وی در این موقع ۱۷ سال داشت. سه سال و نیم طول کشید تا مسافران به دربار خاقان چین رسیدند. هفده سال در دربار خان مغول خدمت کردند. پولوها پس از انجام مأموریت مهم، با خیالی آسوده از ایران و ارمنستان به ونیز مراجعت کردند که در سال (۱۲۹۵ م ۶۹۴ هـ) بود. از سفرنامه مارکوپولو، بی بخش اول در مورد ارمنستان مطالبی انتخاب شده است.

کلاویخو سفیر اسبانی که در روز آخر فوریه (۱۴۰۵ م ۸۰۸ هـ) به تبریز وارد و از آنجا به سمرقند رهسپار شده و به دربار تبت رسید. سمرقند بار یافته بود، بعد از ماجراهایی موفق به دیدار تیمور از نزدیک می شود و چندین بار در سمرقند اقامت می نماید. به علت بیماری تیمورلنگ مجبور به بازگشت به کشورش می شود که در مسیر بازگشت، از راه ارمنستان به مقصد اروپا راهی می شود، از این رو مشاهدات وی در مسیر گذر، در این کتاب آورده شده است.

آمبرسیو کنتارینی می نویسد: «بعد از دو روز مسافرت، وارد قلمرو حکمرانی اوزون حسن که بر سر راه به شماخی قرار داشت، شدیم. از سرزمین زیبایی بود. تا تاریخ بیست و هشتم ژوئیه به مسافرت خود در این سرزمین ادامه دادیم تا اینکه به ادسی موسوم به نوح رسیدیم که بسیار مرتفع است و در سراسر سال از قله تا دامنه آن از برف پوشیده شده است تا سی ام ژوئیه به مسافرت خود در سرزمینی مسطح و هموار ادامه دادیم تا اینکه به قلعه ای رسیدیم متعلق به فرانکهای ارمنی که خودشان را چیاگری می نامیدند.

سیروسفر تاورنیه جهانگرد اشرافی فرانسوی این ماجراجوی خستگی ناپذیر که نگاهش به اروپا چنان آغشته به تصاویر شرقی بود. که کوه های آلپ او را به یاد ارمنستان می انداخت و ادعا می کرد که ساکنان ایروان اصالتاً سوئیسی بوده اند.

شاردن سیاح معروف در سال (۱۶۷۱ میلادی ۱۰۵۰ هـ. ش ۱۰۸۲ هـ. ق) از راه قفقاز به ایران سفر کرده است. در آن روزگاران رفت و آمد از پاریس به ایران از راه های مسکو، قسطنطنیه، اسکندرون و امپدینک انجام می گرفت. شوالیه شاردن در دومین سفرش به ایران پس از گذشتن از قفقاز، تبریز، میانه و قم به اصفهان می رسد و از مقربان دربار شاه عباس دوم شده و مقام تاجرباش شاه را کسب می کند. شاردن استحکامات ایروان را چنین توصیف می کند: «استحکامات ایروان در حقیقت به منزله شهر کوچکی به شمار می رود، این قلعه عظیم به شکل بیضی می باشد. محیط آن بالغ بر چهار میل است و در حدود هشتصد باب خانه، باغچه در آن وجود دارد که منحصراً بایرانیان محل اختصاص یافته است، ارامنه در این محل دکان و بازار دارند و به کار تجارت می پردازند و وی با غروب آفتاب قلعه را ترک گفته دوباره به منازل خود مراجعت می کنند. این استحکامات دارای سه دیوارخاکی و یا خشت خام می باشد که با برجها و مزغلهها تجهیز گشته است، ولی حصایهای مزبور به طور کلی با اسلوب دیرین و نامرتب به ترتیب مشرق زمین بنا شده است.

حاکمان ایروان در طول تاریخ ایران نقش برجسته ای ایفا نمودند یکی از نمونه های آن حضور در دربار لویی چهاردهم است، چند سال پیش از آن در فوریه ۱۷۱۵ در واپسین ماه های سلطنت لویی چهاردهم در پاریس و ورسای از یک هیئت سیاسی ایرانی استعفا داد. این هیئت به سرپرستی محمدرضا بیگ، پیشکار ولایت ایروان در ورسای به حضور شاه رسید. آنتوان واتو نقاش، این دیدارهای ایرانیان را به صورت نقاشی هایی در آورده که بیانگر دلبستگی پاریسیان به این بیگانگان ملبس به رخت های ویژه اما با ظاهری فاخر و با وقار است.

موريس دكوتز يونه آلماني در سال (۱۸۱۷ م ۱۲۳۲ هـ.ق) كه از مسير روسيه مسافرت مي كرده و طاعون را در شهر ژنو ژرفسك مشاهده نموده، با گذر از شهر طاعون زده و اقامت در شهرهاي قفقاز به ديدار كليساي ايج ميازين شافته و آن را چنين توصيف مي كند: «تقسيمات دروني اين عمارت از هر جهت راحت و با سليقه است صومعه اي كه وسط اين محوطه واقع و بيش از ۱۵۰۰ سال است ساخته شده خيلي عجيب به نظر مي رسد ولي سبك بنايي آن ساده و با شكوه است.»

سفرنامه ارنست اورسل كه با نام «قفقاز و ايران» به رشته تحرير درآمده است، شامل ديدگاه نويسنده در مورد سرزمين هاي قفقاز و ايروان است او با ديدن قله آزارات احساس خود را چنين بيان مي كند: «با مشاهده آزارات ستايش و احترام عميقي نسبت به اين كوه در خود احساس كردم كه تاكنون در برابر هيچ كسي احساس نكرده ام. اين كوه از ايروان بسيار دور است، ولي با وجود اين جدا از كوه هار ديگر كه گويي آنها براي ادای احترام در فاصله معيني از دور به دنبالش صف كشيده اند، به تنهائي مي بايست. دو قله ي دو قلوش، به آن شهر تسلط كامل دارد و از زير نيم تاج برف هاي دايمي اش با جلال و شجرت تمام يادبودهاي دومين گاهواره ي بشريت توام با حس احترام در دل هر بيننده اي بر مي انگيزد.»

دكتور هيريس بروگر آلماني در سال (۱۸۶۱ م ۱۲۷۸ هـ.ق)، (اواسط سلطنت ناصرالدين شاه) به عنوان مستشار به همراه اعضاي سفارت به ايران آمد. از طريق برابردر در دريای سياه تا بندر پوتي مسافرت نموده است. اوقفقاز آن روزگاران و قزاقهاي اونيفور، بر سر و شتل قرمزي را توصيف كرده و كوه آزارات را چون غولي افسانه اي و سفيدپوش مشاهده نموده و به وصف آن پرداخته است.

سفر پرماجر اي ماري كلورپوتي (لابروندير) به همراه هيئتي سياسي از طريق قفقاز به ايران به قلم ابول گرسى يوناني به رشته تحرير در آمده است. نخستين زن جوان و پرجرات اين هيئت در ژانويه سال (۱۷۰۶ م ۱۱۱۸ هـ.ق) از سرحد ايران عبور كرده و به شهر تاريخي ايروان كه در آن

زمان جزو خاک ایران بود، وارد می شوند. و یک شب با هیئت همراه در کاروانسرای گذرانده که آن را بندر آرامش نامیده: «آرامش و سکوت بر همه جا حکمفرما شد. تنها گاهی صدای شغالی از دور، سکوت شب را در هم می شکست. اما مهمانان بعد از آن راه پیمایی طاقت فرسا، چنان در خواب عمیقی فرو رفته بودند، صدای شغال که هیچ اگر ببر هم می غرید کسی از خواب بیدار نمی شد.»

لایرولاندیر و همراهان، در پایان روزی بسیار خسته کننده، قله مدور کوه آرات را که در آن بالا، کشتی نوح متوقف شده بود کشف کردند این قله گویا در حدود پنج هزار متر ارتفاع دارد. هنگامی که آنان به نزدیکیهای کوه رسیدند، برف روی آن کوه مقدس را پوشانده بود...

مارسل دیولافوا مهندس و باستان شناس فرانسوی که همواره همراه همسرش سفر می کرد، و همسرش نیز تهیه مشاهدات و تحقیقات شوهر خود را یادداشت و به صورت کتابی به طبع رساند. راجع به ارمنستان نامی بکت افر فرانسوی درباره سفر کوتاهی به ترکیه و ایران در سال ۱۸۰۷م. به نام بن تان می باشد.

بن تان در مورد اوج کلیسا می نویسد: این محل بسیار مقدس است و دو سال پیش جلال و شکوهی داشته است، ولی روسها آسیب بسیار به آن رساندند و اهالی را بحدی تحت فشار قرار دادند که بیش از هزار خانواده ارمنی که آنجا سکونت داشتند تار و مار شدند. کتابخانه ی دیر را تاراج کردند و حروف چاپخانه آن را ذوب نموده از آن کلمه ها ساختند. این رفتار روس ها عجیب است...

جرج ناتانیل کرزن که با عنوان خبرنگار روزنامه تایمز به ایران آمده بود، اعزام دکتر ویلز به عنوان یک پزشک به ایران، با اعلام آمادگی وی، به سوی ایران می گردد. با آماده کردن وسایل سفر و داروها از طریق وین حرکت کرده از کشور ترکیه و روسیه گذشته،

ارمنستان در آن تاریخ جزئی از خاک کشور روسیه بوده با گذشت از گرجستان و ارمنستان عازم ایران گردیده است.

با وجود اینکه تازه از دانشکده پزشکی فارغ التحصیل شده بود، هیچگونه سابقه و آمادگی قبلی جهت انجام جهانگردی نداشت، با قبول این مأموریت بی سابقه و پرخطر عازم یک سفر طولانی می شود.

الکسیس شاهزاده روسی که نقاش بود با ذوق و شوق زیادی مسافرت می کرده ولی اقامتگاهها و راه طولانی را راضی نمی کرد و در گرجستان و ارمنستان از اقامتگاههای شبانه، بین راهی شکایت داشته است.

در سفرنامه کنت روسی که به صورت روزانه خاطرات خود را نگاشته است، آمده است صبح روز هفتم ماه قره کلیسا را ترک کردیم و راه خود را در جلگه در پیش گرفتیم در حالی که در برابرمان دو قله آراوات مشاهده می شد از دافین ما رشته جبال کوتاهی قرار داشت. از دهکده ای بنام «پویلی» گذر کردیم که تمامی ساختمانهای آن را می زدند و اندکی در کنار رود فرات قرار گرفتیم که در این مکان آب زیادی داشت تقریباً روبروی «گیلاس ریل» کهنه ویرانی است.

از سیاحان و سفرنامه نویسان ایرانی که به قفقاز و شرق ایران مسافرت نموده اند، معروف ترین آنها محمدعلی سیاح است. حاج سیاح قسمتی از سفرنامه خود را که از ایروان شروع شده و تا تفلیس رفته به زبان یک طلبه ایرانی نوشته است:

«پرساں پرساں رفته به جایی که معبر آن ایروان بود گفتند باید ابتدا باید به مرند بروی و از آنجا به ایروان»

از سفرنامه نویسان آمریکایی مطالبی در ارتباط با ارمنستان در این کتاب آمده است که ابراهام ویلیامز جکسن استاد دانشگاه کلمبیا که برای رسیدن به ایران از قفقاز و شهرهای آن گذشته و

هرچه را دیده با دیدگاه آمریکایی در آن زمان نوشته، وی برای نخستین بار به ایران و آسیای میانه سفر کرده و از ایروان و کوه آرارات هم در سفرنامه اش چنین یاد کرده است: «فکر می‌کنم در اوستا از کوه آرارات به نام «مزیشونت» یاد شده است و این واژه یادآور نام ماسیس است که ارمنیان بدین کوه داده‌اند و معتقدند که آن همان کوهی است که کشتی نوح به آن نشسته است چه ارمنیانی نیز بعد از قبول مسیحیت روایت طوفان را پذیرفته‌اند.»

دکتر فووریه پزشک و یژه شاه قاجار در کتابش «سه سال در دربار ایران» می‌نویسد: «کمی پس از گذشتن از آبادی فنتان کوه آرارات از طرف جنوب ظاهر شد که تاج برف دایمی بر سر آن قرار داشت با... به این قله با عظمت که تنها یادگار طوفان نوح است درود فرستاد.

این قله به علت ارتفاع و عظمت از سلسله جبال‌هایی که جزو آن محسوب می‌شود به خوبی پیدا و تا آسمان نیل‌گون سرکشیده است.

آلفونس گابریل که دبیر جاسوسی پای مارکوپولو در قفقاز و ایروان بوده و هر جا گذر مارکوپولو به آنجاها رسیده از آن مکانها یاد کرده سفرنامه‌ای تألیف کرده است. ایروان و آرارات این طور بیان کرده اگر مارکوپولو از راه ایروان استفاده کرده باشد، ناگزیر بوده است که از کنار آرارات بگذرد و این موضوع قطعی است که او از کنار آرارات گذشته است، چون با این که سیاح ما معمولاً خواننده اش را عادت به شرح کرده می‌دهد، در کتابش توجه خاصی به آرارات داشته است.

ابتدای کتاب اطلاعات کمی درباره جغرافیای ارمنستان و در دنبال، «رابطه ایرانیان و ارمنستان و بخشی از نوشته‌های منشرقین درباره ایران و ارمنستان در طول تاریخ» صورت خلاصه آمده است.

مطالبی راجع به خاندان شدادی از قفقاز شرقی، قسمتی از پژوهش میثوریسکی در نوشته جامع الدول اثر منجم باشی را آورده ایم.